

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تائید نظام الدین اولیادین

تائید نظام الدین اولیادین

میرسد این ترانه از هر سو
 و گاه اندر کمان خود دارد
 کند چرخه با مهابت عشق
 مان من بی رخ تو فاخته وار
 سر پیش تو می نهام هر دم

کلام پنجم ۱۱
 شاید آن را بجهان در بارو
 عقل را نیست زور و ر بازو
 سالها شد که می کند گو که
 پیش بت سجده میبر و نه

[illegible]

۶
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

باز شکسته گوید خیز زلف یار می گوید گله جو رخسار می گوید قصه نو بهار می گوید از سر انکسار می گوید هر کس مار مار می گوید صبح دم زار زار می گوید	خط او را حسد و بنا دانی در حسد که نسیم نور و زنی باغبان پیش گل بوکم گل ببل اندر حشر ان شاخ کمن سر و در باغ و صفت بالایش چون کشته زلف غنیمتیش را مرغ و ستا نسیمی رخسار را
---	--

که چشمان دل بین جز دوست هر چه بینی بدانکه منظر اوست	اسی ز بصر تو عالمی عنماک بر جمال و جلال چهره تو ششوار است عشق که بیش تنه پای بکوچه باطل ز سر نو شدگان جام غمت ترک عشق تو عاشقان را آه من سوخت استخوان مرا خنجر عشق یار بار در بشنوی از زبان هر موجود
جان هر یک قاده در تپاک همش را کور دیده ادراک یسود رام تو سسین افلاک هر که در راه حق بود جالاک می خور است از کس تر تاشک می کشد از کس ندارد پاک آتش زوخت من خاشاک میکشد سپیاسی یاران چاک ساعتی گز غیب گردی پاک	که چشمان دل بین جز دوست

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

مع فرانسوا
فولتیه

ایران بیدار شو

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين

مجلس شورای اسلامی

وہاں پہنچا ہوا ہے

مجلس

السلامة العامة

پیشانی

مکتبہ اسلامیہ
لاہور

1

مجلس

که چشمان دل بین جگر و سینه
هر چه بینی بدانکه غیب است

یارباشیشه شراب رسیده
 باهرویان بنخ نقاب کشیده
 دل من رفت سوی شرکانش
 چون نظر کرد گل برخسارش
 بهر عاشق آن جوان دارد
 که من بهر گشتنم با تیغ
 را آنکه قربان تیغ و کشتن او
 روش داغ آتشین نهاده
 چون راجع نظر را خطا کردم

راحت اندر دل خراب رسیده
 بین که آن شمع بی نقاب رسیده
 گویا شیخ را کتاب رسیده
 از حیا بر خش کتاب رسیده
 این حکایت بشیخ و کتاب رسیده
 برسم از پی حواب رسیده
 یارم از خانه بی حجاب رسیده
 آه من چون با نقاب رسیده
 من و روانه را خطا رسیده

این
 جوان ۱۲
 ۱۳
 ۱۴

۱۲۱	که چنانچه دل حسین جز دوست هر چه بینی بد آنکه منظر است
-----	--

<p> یایان درو حیرانیم و فستادیم و قفس ناگاه خراشیدیم و گاه معموریم ویران ^{۱۱} ویران ^{۱۲} جهودیم و گاه زنا ریم </p>	<p> راه شصت و دانیس ایم می نذاییم تا چه مرغانیم که امیریم و گاه دربانیم گاه ترسان و گاه مسلمایم نصاری ^{۱۳} </p>
--	--

تاریخ

مجلس

10

گزینت لبان شینیت
 هرگز از بند گیت سیر نکشد
 ماورده چه چون تو فرزندی
 اگر تبی بولم کنه و گر مروود
 شحمت عشق تو بکلب دلم
 پیش محراب طاق ابروت
 دمی بدیوان عشق در فرستم
 هجران و م شروش مشوه گز
 نقش شیرین زول گشت فراد
 در جهان هیچ بنده آزاد
 از ازل تا ابد ندیده نژاد
 نتوانم زون و هم ایراد
 می منم ازید خید برون بیداد
 سرو می نیست انکه شخا و
 تا زوینت کفم فریاد
 از سر لطفت این نداد و او

قفس عاشقانه میگویی
 رفته روی گانگه به نیاز
 زور و شب به زلف و روی گانگه
 سخنان زمانه عندار
 در دیو انگلیس
 ساعن لاله دیده ام بچمن
 چون لب و زلف و خیال او دیدم
 خبر خوارسی از خدای دهر
 چونکه واقف شدم پرده راز

نه چو هر یک فسانه میگویی
 بقیه روی گانگه میگویی
 وصف مرآت و شانیه میگویی
 هم با اهل زمانه میگویی
 عاشقی را بهانه میگویی
 زان حدیث چانه میگویی
 شکر و دام و دانه میگویی
 بخودن را بهشت میگویی
 و بدم این ترانه میگویی

لعل زلف
 لعل زلف

نفوس و سر ۱۲۰

[illegible][illegible]

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

ووش فرستم بسوی حماسے
 چاکے و بسری و بیباکی
 سروتی و یاسمن بجے
 تند خوئے و مردم آزارے
 گاہ و بخت جیلہ پروازے
 عاشقان راستے نمود عیان
 چون مراد بسوی خود طلبید
 سحر چنان شد مکه ماند
 می ندانم که اندران حیرت

ویدم آنجا کیے دلاراسے
 ناز کے تہ زرخ گل انداسے
 سرکشے خونخوڑے و خود کا
 ست چشے و ساغر آتاشے
 گاہ و عزم عشوہ علامے
 از رخ و زلف کفر و اسلامے
 تا نواز و زروئے الفاسے
 درمن از بوش و لگی ناسے
 بوجہ مالی کہ داد پیغامے

کہ پشیمان دل میں جزو موت
ہر حق بینی بد انگہ ہے

خاتمہ جمع ہزار شاہد و جہان جہاں سپاس و منت حضرت و ہم العیال
از رکہ واسطہ حصول استعداد اطفال نوآموز و وسیلہ نوا و ہدیایان علم اندوزانہم
مقبول خاطر نازک خیالان ترجمہ خیر حضرت سید علاء الدین خراسانی شہرہ
باعتقادین زمان فرخی توکلان یعنی عشرہ اولی ماہ شعبان ۱۲۱۰ ہجری باہتمام من مبدع کوئی و
سرشتہ داودی چھپانی امیدوار رحمت ایند زمان محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان
کتابخانہ مجتہدہ انجمن در مطبع شہنواز داک و دورنی مطبع نظامی واقع



۱۱. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۲. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۳. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۴. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۵. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۶. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۷. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۸. غلبه بر من و فرزندان
 ۱۹. غلبه بر من و فرزندان
 ۲۰. غلبه بر من و فرزندان

[illegible]

4992

1915 2 21

4991

ALL

5041

212

1714051

12. 10. 1964
J. D. Smith
W. D. Smith
Date

[illegible]

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

